

جلوه‌ای از انتظار و ظهور در شعر فارسی

غلامرضا ستوده

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اوضاع عمومی جهان پیش از ظهور امام زمان (عج) در کتاب‌هایی که در این موضوع تألیف شده به دو گونه تشریح شده است و هر کدام طرفدارانی دارد و طرفداران هر یک آیاتی از قرآن و احادیث و اخباری از پیامبر (ص) و امامان را در تأیید و تبیین باور خود آورده‌اند. یک گروه می‌گویند دنیا رو به ظلم می‌رود تا آنجا که زمین از بدعت و بی‌دینی و شر و فساد پر می‌شود و فتنه‌ها از هر سو برمی‌خیزد به طوری که هیچ‌کس قادر نیست بگوید بس کنید و دست نگه دارید. گروه دوم زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج) را به نوعی دیگر مطرح می‌کنند. اینها استیلاي ظلم و جور را قبول دارند ولی ظلم و جوری از مقوله استضعاف. به این معنی که استعداد رشد و صلاحی که در مردم هست مجال بروز نمی‌یابد و عواملی در سلطه جهانی مانع شکوفایی خدائشناسی و دینداری در مردم می‌شود و آنگاه که این زمینه فراهم شد امام زمان (عج) برای رفع موانع و دفع عوامل استضعاف ظهور می‌کند.

آنان که حرکت جهانی را تا ظهور امام زمان (عج) به سوی ظلم و جور و شر و فساد ارزیابی می‌کنند ظاهراً هرگونه کوشش در راه توقف این سیر جبری را مفید و لازم نمی‌دانند و گویی اگر دستشان برسد چیزی بر شدت آن می‌افزایند.

گروه دوم باید بر کوشش خود در زمینه‌های اصلاح جامعه بیفزایند و اقتضای زمان را بشناسند و استضعاف را به رشد و شکوفایی استعدادها تبدیل کنند.

به عقیده اینان منتظر ظهور امام زمان (عج) حالت کسی را باید داشته باشد که روزگاران دراز در انتظار بازگشت مسافر عزیزی چشم به راه مانده و امید آن دارد که این مسافر هر لحظه از راه برسد و ارمغان‌هایی شگفت‌انگیز از نور و هدایت و عدل و شکوفایی با خود همراه بیاورد.

تا آنجا که نگارنده در دیوان‌های شاعران فارسی‌زبان به‌ویژه شاعران عصر صفوی ملاحظه کرده است حال و هوای شعر آنها در زمینه انتظار و ظهور بر پایه باور زمینه‌سازی مثبت است. برخی از شاعران سده‌های پیشین مانند قوامی رازی (قرن ۶) این عقیده را چنین بیان کرده‌اند:

چرا مصلحت دید جبار بار	اگر گویی‌ام غیبت آن امام
ستمکار و ناپاک و بی‌زینهار	جهانی پر از لشکر ظلم و جور
نهاده دو دیده نهان و چهار	شب و روز در غارت یکدگر
بود سید القوم این روزگار	گر ابلیس بد فعل ظاهر شود
به چنگال گرگان زنه‌ار خوار	نه نیکو بود یوسف خوبروی
به شب شمس کی تابد از کوهسار	بدین وقت مهدی نیاید برون
نشیند ز باران رحمت غبار	چو آید به سر مدت مصلحت
جهان را ز عدلش بگردد عیار	برون آید از کنج عیار دین
که باطل نهان گشت و حق آشکار ^۱	ز کعبه ندا در دهد جبرئیل

یکی از شاعرانی که اوضاع پیش از ظهور امام عصر (عج) را در شعر خود توضیح داده و مشابه آن در شعر شاعران دیگر کمتر یافت می‌شود ملامحمد رفیع واعظ قزوینی است، متولد سال ۱۰۲۷ و متوفی به سال ۱۰۸۹ یا ۱۰۹۰ هجری قمری. تذکره‌نویسان در شرح حال او نوشته‌اند:

واعظ، مسلماً در تحصیل دانش‌ها و کمالات متداول روزگار خود نیک بکوشیده و در مکتب تشیع پرورش یافته است و در حدیث و فقه و تفسیر و تاریخ و لغت و ادب عالمی عامل و فاضلی متبحر و نویسنده‌ای چیره‌دست و شاعری بلندپایه و خطیبی قوی‌مایه شده است.^۱ و اینهاست نمونه‌ای از شعر او در ناپایداری روزگار و بی‌اعتباری دنیا و نیز در منقبت سالار دین حضرت صاحب‌الامر:

نیست در اقلیم هستی ای دل محنت قرین

آنقدر شادی که کس خندد به وضع آن و این

چون رحم دان تنگنای دهر پر آشوب را

روز و شب می‌بایدت خون خورد در وی چون جنین

یکه‌تاز ظلم میدان جهان را بسته است

هست خالی جای ای لشکرشکن در صدر زین

تا نیاید دامن عهدت به کف ایام را

کی تواند پاک شد از گرد بدعت روی دین^۲

آنگاه شاعر شکوه می‌کند که عرض حال غایبانه گفتن تا کی و تلقی خود را از اوضاع زمان

چنین بیان می‌دارد که درد هست ولی امکان درمان و ناله نیست.^۳

بابا فغانی (متوفی ۹۲۵) فغان سر می‌دهد که: «ای مهدی آفتاب تو در چاه تا به کی.»^۴

محسن تأثیر تبریزی (۱۰۶۰-۱۱۲۹ق) سعدی‌وار^۵ تمنا می‌کند که: «رخ بنما تا بدمد

آفتاب.»^۶

تأثیر در جای دیگر ختم مجادلات ملال‌انگیز و بحث‌های بیهوده را از محضر امام زمان

چنین آرزو دارد که:

از پرده برآ که پوچ گردد این چون و چرای آفرینش^۷

و هم در جای دیگر قوای آفرینش را از کار افتاده می‌بیند و نیاز به ظهور محیی و منجی را

چنین به محضر امام عرضه می‌دارد:

رحمی که فتاده بی‌مسیحت از کار قوای آفرینش^۸

این نکته قابل ذکر است که هر دو گروه به وجود امام زمان ایمان دارند و جزو منتظران ظهور آن حضرتند و در باب ظهور در جستجوی دلیل و فلسفه خاصی نیستند بلکه آن را به استناد دلایل شرعی تعبداً پذیرفته‌اند.

در اینجا بی‌مناسبت نیست مطلبی از کتاب ظهور شیعه از علامه طباطبایی (قدس سره) نقل کنیم که: «شیعه در اثبات امام غایب (مهدی علیه‌السلام) و اعتقاد به وجودش تنها نیست، بلکه از طریق اهل سنت نیز روایات بی‌شماری در این باب موجود است، به نحوی که به آسانی می‌توان دعوی تواتر آنها را نمود. حدیث «المهدی من ولدی» از کلمات جامع نبی اکرم و یکی از روایات قطیعة الصدور می‌باشد که همه طوایف و طبقات مسلمین روایت کرده و پذیرفته‌اند...».

تصور ظهور مهدی، در ردیف تصور وقوع قیامت می‌باشد، و چنان‌که اعتقاد به پاداش عمل، یک نگهبان داخلی است که به هر کار نیکویی امر و از هر کار بدی نهی می‌کند، همچنین اعتقاد به ظهور مهدی، نگهبان دیگری است که برای حفاظت حیات درونی پیروان واقع بین اسلام گماشته شده است. (ظهور شیعه، علامه طباطبایی، ص ۶۲-۶۳).

آنچه از مجموع شعر شاعران فارسی‌زبان برمی‌آید و هر چه هست ظهور امام همچون فرا رسیدن بهار است. در این فصل طبیعت، همه استعدادهای خود را برای حیات مجدد و رویش آماده می‌سازد و چون نسیم بهاری وزیدن گیرد رویش و حیات مجدد آغاز می‌گردد. دوره انتظار در حقیقت دوره شناخت حقایق دین و فعلیت قابلیت‌های بالقوه همه مردم برای رشد و تعالی و در نتیجه نیل به معرفت و رستگاری است.

به عبارت دیگر: «انتظار به آن معنی نیست که درباره اجرای حقایق دین، دست روی دست گذاشته و کاری انجام ندهند، چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر. روا نیست به بهانه انتظار، مصلح از عمل به واجبات سر باز زد. انتظار آمادگی یافتن و زمینه‌سازی برای ظهور امام (عج) می‌باشد».

انتظار، تسلیم در برابر وضع موجود نیست. بلکه انتظار خود واجبی است که بر دیگر واجبات اضافه شده و با آنها و در کنار آنها عملی است. (نقل از کتاب *در انتظار امام* از عبدالهادی الفضلی، ترجمه محمد امینی، از انتشارات مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۹۹ق).

اکثر شاعران فارسی‌زبان که در موضوع ظهور، شعرها سروده و از جفای دوران، شکوه‌ها نموده و آرزوهای خود را فقط در ظهور امام عصر (عج) برآورده می‌بینند سخنانی بدیع به نظم آورده‌اند که اینجا به‌طور نمونه برخی از آن بدایع را می‌آوریم:

شاعری رخ طلب فقط به ره صاحب‌الزمان دارد و می‌گوید:

به راه او شکفتد غنچه تمنایش هوای باغ جنان آن که در جهان دارد
کلید حبّ تو بهر گشاد کارش بس کسی که آرزوی روضه جنان دارد^{۱۱}

شاعری دیگر امید می‌دهد که با ظهور صاحب‌زمان، هر کژی که در جهان باشد یکباره راست می‌گردد:

بعد از او صاحب‌زمان کز سالهای دیرباز

دیده‌ها در انتظار روی آن فرخ‌لقاست

چون کند نور حضور او جهان را با صفا

هر کژی کاندر جهان باشد شود یکباره راست^{۱۱}

یکی دیگر از تعبیرات بدیع درباره ظهور حضرت صاحب (عج) این ابیات از سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵) است که مبین اعتقاد او به ظهور بر پایه زمینه‌سازی مثبت است:

خالی ز خلل شرع راستین است این است مرا راه راست، این است
دانی که مرا دید و داد و دین داد مهدی که خداوند داد و دین است
کردارش بر گلبن شریعت مانده باران فروردین است^{۱۲}

همچنان‌که باران فروردین سرسبزی و نشاط تازه‌ای به زمین می‌بخشد و استعداد رویش و شکوفایی را در گیاه و گل از قوه به فعل درمی‌آورد، ظهور نیز چنین تأثیر حیات‌بخشی در انفاس و حیات معنوی آدمیان خواهد داشت.

با ظهور او فرّ الهی آشکار می‌شود:

روزی که آشکار شود طلعتش ز غیب فرّ الهی از رخ او گردد آشکار^{۱۳}

در اندیشه شاعری به‌نام حزین لاهیجی وجود امام زمان همواره اطمینان‌بخش دل‌های مؤمنان و نشاط‌بخش آنان در حالت انتظار است:

تا در چمن این سرو برازنده چمان است چیزی که به دل نگذرد اندوه خزان است^{۱۴}
 بابا فغانی زمینۀ مناسب ظهور و آمادگی مؤمنان و منتظران را چنین بیان می‌کند:
 گلزار اهل بیت چو باغ ارم شکفت ای عندلیب دلشده، آهنگ راه کن^{۱۵}
 وجود حضرت صاحب، دافع نیش افعی فساد است:

مهدی آخر زمان که هست وجودش افعی افساد را خواص زمرد^{۱۶}
 شاید ابیاتی از دیوان وحشی بافقی (۹۳۹-۹۹۱) زبان حال عموم منتظرانی باشد که اوضاع
 زمانه را برای ظهور حضرت صاحب (عج) مساعد آرزو می‌کنند تا جهان برای همگان پُر از عدل
 و داد گردد و چراغ هدایت پر نور شود و از گزند باد فتنه در امان بماند و چنان وضع مطلوبی
 پدید آید که توصیف آن در کلام ننگنجد:

سپهر قصد من زار ناتوان دارد	که بر میان کمر کین ز کهکشان دارد
منم که سنگ حوادث مدام در دل سخت	به قصد سوختن آتشی نهان دارد
خود آن که پشت بر اهل زمانه کرد چو ما	رخ طلب به ره صاحب زمان دارد
تویی که رخس تو را از برای پای انداز	زمانه اطللس نه توی آسمان دارد
برون خرام که بهر سواری تو مسیح	سمند گرم رو مهر را عنان دارد
رسید عدل تو جایی که زیر گنبد چرخ	کبوتر از پر شهباز سایبان دارد
حدیث خود به همین مختصر کنم وحشی	کسی کجا سر تفسیر این بیان دارد ^{۱۷}

نیز ابیاتی از ابن‌یمین در بیان وجوب امامت و لزوم وجود شرایطی برای آن:

چون نبی بگذشت امت را امامی واجب است

وین نه کاری مختصر باشد مر این را شرطهاست

حکمت است و عصمت است و بخشش و مردانگی

کز نشین و راست می‌گو تا ز یاران این کراست

این صفات و زین هزاران بیش و عصمت بر سری

با وصی مصطفی یعنی علی المرتضاست



چون گذشت از مرتضی اولاد او را دان امام
 اولین زیشان حسن وانگه شهید کربلاست
 بعد ازو سجاد و آنگه باقر و صادق بود
 بعد از موسی نجی الله و بعد از وی رضاست
 چون گذشتی زو تقی را دان امام آنگه نقی
 پس امام عسکری کاهل هدی را پیشواست
 بعد ازو صاحب زمان کز سال‌های دیرباز
 دیده‌ها در انتظار روی آن فرخ‌لقاست
 چون کند نور حضور او جهان را باصفا
 هر کزی کاندر جهان باشد شود یکباره راست^{۱۸}

شور و حال انتظار در شعر عارفانه شاعری عاشق و امیدوار چون سعدی و به قولی از همام
 تبریزی مشک‌گونه ختامی است در این ابیات که بوی لطیف آرزوی ظهور از آن به مشام می‌آید:
 در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
 به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم
 به خوابگاه عدم گر هزار سال بخشیم ز خواب، عاقبت آگه به بوی و روی تو باشم
 حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم
 می بهشت نوشم ز دست ساقی رضوان مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم^{۱۹}

صفات و القاب

بسیاری از صفات و القابی که برخی از شاعران به امام زمان (عج) داده‌اند از بدایع ترکیباتی است
 که در زبان فارسی ساخته شده است مانند این بند از ترکیب‌بند خواجوی کرمانی: (متوفی ۷۵۳ق)

به مقدم خلف منتظر امام همام	مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام
شعب مدین تحقیق حجت‌القائم	عزیز مصر هدی مهدی سپهر غلام
خطیب خطه افلاک منهی ملکوت	ادیب مکتب اقطاب محیی اسلام

شه ممالک دین صاحب الزمان که زمان

به دست رایض طوعش سپرده است زمام^{۲۰}

و در ترکیب بند دیگر خواجه گوید: (ص ۶۳۷)

بار دیگر بر عروس چرخ زیور بسته اند پرده زربفت بر ایوان اخضر بسته اند

اطلس گریز این سیمابگون خرگاه را نقش پردازان چینی نقش ششتر بسته اند

با ز بهر حجة الحق مهدی آخر زمان نقره خنگ آسمان را زینی از زر بسته اند

در همین مقدار مختصری که از دیوانها درباره حضرت حجت استخراج شده بیش از

شصت لقب برای آن حضرت در اشعار به کار رفته است که به ترتیب الفبایی از این قرار است:



۴۴- عیار دین	۲۲- روح جهان	۱- آفتاب روزافروز
۴۵- غنچه باغ احمدی	۲۳- روح مجرد	۲- ادیب مکتب اقطاب
۴۶- فرّ خدای	۲۴- رهبر دین	۳- امام امم
۴۷- فرمانده کل قطب	۲۵- زنگ‌زدای آفرینش	۴- امام عصر
آفرینش	۲۶- سَمی نبی	۵- امام همام
۴۸- قائم	۲۷- سلطان جهان	۶- بحر زخار امامت (موج)
۴۹- محیی اسلام	۲۸- شاه	واپسین بحر زخار امامت)
۵۰- مسیح خضر قدوم	۲۹- شعیب میدان تحقیق	۷- بقیة الله
۵۱- مبدأ	۳۰- شمع هدای آفرینش	۸- پرده‌نشین دل و جان
۵۲- مهدی	۳۱- شه حقایق	۹- حامی اسلام
۵۳- مهدی آخر زمان	۳۲- شه سریر ولایت	۱۰- حجّت
۵۴- مهدی سپهر غلام	۳۳- شه ممالک دین	۱۱- حجة الحق
۵۵- مهدی صاحب زمان	۳۴- شه والانسب	۱۲- حجّت القائم
۵۶- منهی ملکوت	۳۵- صاحب	۱۳- حجّت قاطع
۵۷- منتظر	۳۶- صاحب الامر	۱۴- حضرت ختم ولایت
۵۸- مهر جانفروز	۳۷- صاحب الزمان	۱۵- خانه خدای آفرینش
۵۹- ناموس بزرگ خدای	۳۸- صاحب عالم	۱۶- خداوند داد و دین
اکبر	۳۹- صاحب عصر	۱۷- ختم ولایت
۶۰- نوبهار	۴۰- صاحب غایب	۱۸- خطیب خطة افلاک
۶۱- نور مطلق	۴۱- صالح	۱۹- خلف منتظر
۶۲- هادی طریقت	۴۲- عزیز مصر هدی	۲۰- خلیل کعبه مقام
۶۳- هادی مهدی	۴۳- عندلیب	۲۱- دارشفای آفرینش

پی‌نوشت‌ها

۱. دیوان قوامی رازی (از گویندگان نیمه اول قرن ششم هجری)، به تصحیح و اهتمام میرجلال‌الدین حسینی ارموی، انتشارات سپهر، ۱۳۳۴ ش، ص ۱۴۱.
۲. نقل از مقدمه دیوان واعظ قزوینی به کوشش دکتر سیدحسین سادات ناصری، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۵۷.
۳. دیوان واعظ قزوینی، ص ۵۲۰-۵۲۶.
۴. همان.
۵. دیوان بابا فغانی شیرازی، به سعی احمد سهیلی خوانساری، ص ۴۲.
۶. شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد (کلیات سعدی چاپ فروغی، طبیات، ص ۵۶۹)
۷. دیوان محسن تأثیر تبریزی، به تصحیح امین پاشا اجلالی، مرکز نشر، ص ۱۲۸.
۸. همان، ص ۸۲.
۹. همان.
۱۰. دیوان وحشی بافقی (۹۳۹-۹۹۱)، به کوشش پرویز بابایی، انتشارات نگاه، ص ۱۶۰.
۱۱. دیوان ابن‌یمین، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، ص ۳۹.
۱۲. دیوان سروش اصفهانی، جلد اول، به اهتمام محمدجعفر محجوب، ص ۵۲۱.
۱۳. همان، ص ۲۹۰.
۱۴. همان، ص ۸۲.
۱۵. دیوان بابا فغانی شیرازی، به سعی و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، ص ۴۲.
۱۶. دیوان حکیم شغایی اصفهانی (متوفی ۱۰۳۷ق)، به تصحیح دکتر لطفعلی بنان، ص ۴۷، چاپ اداره ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی.
۱۷. دیوان وحشی بافقی، به کوشش پرویز بابایی، انتشارات نگاه، ص ۱۶۰.
۱۸. دیوان ابن‌یمین، به تصحیح حسینعلی باستانی راد، ص ۳۹.
۱۹. سعدی، کلیات چاپ فروغی، ص ۶۲۸.
۲۰. نقل از کتاب گنج وحدت، گردآورنده سید احمد بهشتی شیرازی، با مقدمه حسین الهی قمشه‌ای، ص ۶۳۵.